

بسم الله الرحمن الرحيم

هجمه به اسلام با انواع تاکتیک ها

در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی از غیر مسلمانان آنان که به نبوت ایشان ایمان نداشتند مدح های فراوانی وجود دارد آنان به نقش این شخصیت و ظرفیت استثنایی او اعتراف کردند و این مهم را در کتاب ها و مقاله ها نوشتند. در میان همه ستایش ها بعد از قرآن کریم ستایشی بالاتر از آنچه امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان فرموده پیدا نمی کنیم ایشان در دعای صباح پس از ستایش پروردگار در چهار جمله اظهار مودت و محبت می کنند:

صل اللهم علی الدلیل الیک فی اللیل الالیل
والماسک من اسبابک بحبل الشرف الاطول
و الناصع الحسب فی ذروة الکاهل الاعیل
و الثابت القدم علی زحالیفها فی الزمن الاول

خدایا درود فرست به آن راهنمای به سویت در شب تیره و تاریک جاهلیت آن چنگ زنده از میان ریسمانهایت به بلندترین رشته شرف و آن دارنده حسب پاک و ناب که بر گرده استوار و بلند شرافت قرار دارد و آن ثابت قدم در لغزشگاه های دوران پیش از بعثت این سخن حضرت شعر و نثر نیست بلکه فراتر از آن هاست
دوستان گرامی مهم آن است که رسالت خود را به درستی درک کنیم در پنج شش سال گذشته جریان های ضد اسلام دست به فعالیت های خیلی خطرناکی زده اند به دوروش و دو تاکتیک هجوم اشاره می کنم.

تاکتیک رأس هرم

در این تاکتیک همه فعالیت ها و هجمه ها متوجه رأس هرم و آن نقطه کانونی است و به کمتر از آن راضی نیست آشکارا و بی محابا به جریان های حیاتی حمله ور شده تا به مقصود خود دست پیدا کنند.
در دوران قبل از انقلاب جریان های مخالف شاه به مخالفت با وزیران صاحب منصبان و حتی خانواده شاه می پرداختند ولی حضرت امام شاه را هدف گرفت و انتقادها به دیگران را بازی می دانست.
امام خمینی بر همین اساس شعار اصلی خود را بر رفتن شاه متمرکز کردند امام رأس هرم قدرت پهلوی را نشانه گرفته بود و به خوبی بر این امر واقف بودند که با رفتن شاه، رژیم پهلوی نیز خواهد رفت امام خمینی برای پشتوانه نظریه «شاه باید برود» به شعارهای مردم استناد می کردند و می فرمودند: که الان تمام مردم ایران از بزرگ و کوچک شعارشان بر رفتن شاه است.

تاکتیک قاعده هرم

در این تاکتیک حمله به اهداف خرد تعلق می گیرد و از هجمه ها به رأس هرم و نقطه های کانونی پرهیز می شود
قبل از انقلاب برخی از جریان های مخالف شاه به دنبال اصلاحات خرد بودند تا به بر اندازی طاغوت منجر شود

از این دو تاکتیک حق و باطل هر دو استفاده می کنند در پنج سال گذشته جریان های مخالف اسلام از هر دو تاکتیک برای مقابله با اسلام استفاده کرده و می کنند اینان در رأس هرم را هدف گرفته و همه قوای خود را متوجه آن کرده اند لذا به قرآن سوزی و کشیدن کایکاتور برای شخص پیامبر روی آورده اند و شمشیر را از روی بسته اند این همان تاکتیک راس هرم است تاکتیک قاعده هرم را نیز دنبال می کنند به این شیوه که (مثلا) کتابی نویسنده مطابق عقاید شیعه و در ظاهر از باورها و فقه شیعه دفاع می کنند اما در لابلا، باور مطالعه کننده کتاب را نسبت به علمای شیعه مورد حمله قرار می دهند و علیه ایشان مطالبی را بیان می کنند تا بین شیعه و علمای آنها فاصله ایجاد کنند یا حرف های اهل تسنن را در لا بلای کتاب تزریق می کنند مثلا گفته می شود: ما حق نداریم حوادث صدر اسلام را تحلیل تاریخی کنیم چرا که در این صورت نمی توانیم کار برخی اصحاب را توجیه کنیم و نسبت به آنها بدبین شویم و... رسالتی که برعهده ماست این است که شرح زندگی پیامبر را بدون اعمال سلیقه بیان کنیم به یقین اگر بتوانیم زندگی پیامبر را همان گونه که هست برای انسانها بیان کنیم دل ها شیفته او می شود تریبون های بزرگی در اختیار ماست لکن بهره وری اندک است و برخی اگر سخن نگویند این به نفع شیعه است ببینیم که دشمنان با چه سرعتی کتاب را به دست ما می رسانند و ما چه فرصت هایی را از دست می دهیم متاسفانه در برخی از موارد باید کار را از دشمن یاد گرفت!